

تنور عشق

سروده‌هایی از

رحمت‌اله امینی (رحمت)



نشر پردیس

تنور عشق

سروده: رحمت‌الله امینی (رحمت)

مدیر فنی: قاسم میرآخوری

طرح جلد: وحیدرضا فرخزاده

حروفنگار و صفحه‌آرایی: مؤسسه پدیده

چاپ: سارنگ

چاپ اول: ۱۳۸۴

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است

امینی، رحمت‌الله،

تنور عشق / سراینده رحمت ... امینی

(رحمت). - تهران: پردیس، ۱۳۸۳.

230 ص.

ISBN 964-90817-4-7

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی -- قرن ۱۴. الف. عنوان.

۸۶۲/۶۲

ت ۷۵/م ۷۹۶۲ PIR

ت ۸۴۴الف

۱۳۸۳

۱۳۸۳

۹۸۴۲-۸۳م

کتابخانه ملی ایران

«فهرست»

- | | |
|---|---|
| <p>۲۶ دل آمده به تنگ ای، جان جهان کجایی ...</p> <p>۲۷ سر سرگشته و این خانه ویرانه ما</p> <p>۲۸ سینه ماتمکده‌ای گشت و دلارام نیامد ...</p> <p>۲۹ بار دگر که موسم فصل بهار شد</p> <p>۳۰ جهان ز پرتو نورش ستاره باران است</p> <p>۳۱ من همان عاشق و مستم که به پای تو نشستم ..</p> <p>۳۲ از آن زمان که عشق صنم شد سوار دل ...</p> <p>۳۳ دگر ز سرفروشت خود شکایتی نمی‌کنم ...</p> <p>۳۴ مارا به دوست، جمله جهان باغ و گلشن است ..</p> <p>۳۵ تو روزگار گذشته کنار من بودی</p> <p>۳۶ دوش در چشم خیالم صنمی پیدا شد</p> <p>۳۷ تا رفتی از برم، ز غمت زار و مضطرب</p> <p>۳۸ خوب می‌دانی مرا بر عشق خود آلوده‌ای ..</p> <p>۳۹ یار از دمی که خیمه زد اندر وجود من ...</p> <p>۴۰ رفتم سوی میخانه، کارم قدحی از می</p> <p>۴۱ ای خوش‌نسیم صبح، که آیی زکوی دوست ..</p> <p>۴۲ ای مرغ دل پرواز کن، وز عالم خاکی گذر ..</p> | <p>۷ به نام معشوق بی‌همتا</p> <p>بخش اول اشعار عاشقانه و مذهبی</p> <p>۱۱ شد نام و یاد دوست، سرآغاز دفترم</p> <p>۱۲ رها تا تیر عشقی از کمان شد</p> <p>۱۳ به تیر غمزه کنونم که قصد جان کردی ...</p> <p>۱۴ عشقت کنون که کرده چنین ناتوان مرا ...</p> <p>۱۵ خانه دل را چو کردی واژگون</p> <p>۱۶ دلباخته دلبر جانانه شو، ای دل</p> <p>۱۷ دلا از عشق هر بیهوده بگذر</p> <p>۱۸ تازان دو چشم مست، به سویم نظاره شد ..</p> <p>۱۹ این دل بیچاره تا مشتاق روی یار شد ...</p> <p>۲۰ سالها رفت و نیامد برم آن ماه عذار</p> <p>۲۱ صد فتنه گر کنی، صنما دوست دارم ...</p> <p>۲۲ یار در پرده ما، چهره نما خواهد شد</p> <p>۲۳ روز و شب در دل من زلزله‌ای برپا است ..</p> <p>۲۴ دوران نشد به کامم از دوری دلارام</p> <p>۲۵ عجب حوری وشی و خوش بیانی</p> |
|---|---|

- تو که آن دیده و آن صورت زیبا داری. . . . ۴۳
- از عشق تو من واله و دیوانه‌ام، ای دوست. . ۴۴
- غزل از عشق تو ای سرو دلستان گویم . . . ۴۵
- گذشت عمر گر انما یه‌ام به بی خبری ۴۶
- دل اگر عاشق آن قامت رهنا گردی. ۴۷
- سالها بیست، که دلبر به دیارم نگذشت . . . ۴۸
- به این فتاده ای صنم چرا وفا نمی‌کنی؟ . . . ۴۹
- دل اگر صورت دلدار نبینی، کوری. ۵۰
- در دوری از دلارام، صبر و قرار تا کی؟ . . . ۵۱
- یگانه دلبری ای دلنشین روح افزا ۵۲
- تا در به رخم گشود دلبر ۵۳
- نشانت هر کجا بینم، ولیکن بی‌نشانی تو . . ۵۴
- در پای قدمهایت، بازیم سر و جانی. ۵۵
- بار دگر کبوتر دل شد به بام او. ۵۶
- دوران نشد به کامم، ما را تو رحمتی کن. . . ۵۷
- مشنو در دو جهان غیر تو یاری گیرم ۵۸
- آن دلبری که در دل من جا گرفته است . . . ۵۹
- هر دل که سوی منزل جانان سفر نکرد . . . ۶۰
- تا برق دیده‌اش به دلم برقرار شد. ۶۱
- خوشا جامی که از جانان بگیرم ۶۲
- کان ملاححت جهان، غارت دل نمود و شد. . ۶۳
- ای عاشقان، ای عاشقان، آخر چه شد جانان ما؟ ۶۴
- نشد که جان جهان را دمی نظاره کنم ۶۵
- نگار من که بدین بوم و بر گذر نکند ۶۶
- از من ای مرغ، پیامی برسان بر یارم. . . . ۶۷
- نالۀ جانکاهم از هجران جانان تا به کی؟ . . . ۶۸
- این پریشانی دل از دوری جانان بود. . . . ۶۹
- دل به دولت می‌رسی گر عشق جانان باشدت. . ۷۰
- دوش دیدم یارم از رفتار من دلگیر بود. . ۷۱
- ای یار زیباروی ما، با من نمی‌جوشی چرا؟ . ۷۲
- دل زلزله باران شد، از برق تماشایی. . . . ۷۳
- از عشق تو بیمارم، ای یار به دادم رس . . . ۷۴
- ای عشق آتشین که به جانم زدی شرار . . . ۷۵
- گل اگر خواهی بچینی، خار هست. ۷۶
- به هر جایی که رفتم روی تو بود ۷۷
- سوختم در انتظاری، مو و چشمم شد سپید. . ۷۸
- ز باغ عهد، شمیم وفا نمی‌آید. ۷۹
- چه شد که از من دلدادۀ رو نهان کردی؟ . . ۸۰
- سوختم ای نازنینم، سوختم ۸۱
- خرمن عشق بسوزد که مراسخت چو خود . . ۸۲
- افتاده‌ام ای قامت دلجوی، کجایی؟ ۸۳
- قسمت نشد که رخت کشم بارگاه دوست . . ۸۴

- تا دیار دگری رفته‌ای، ای نیک تبار ۸۵
- باوصل او، به‌روضه‌رضوان چه حاجت است؟ ۸۶
- صنما تا به کجا ناله شبگیر کنم؟ ۸۷
- دوران به سر رسید و یار از سفر نیامد ... ۸۸
- ای جان من در جان ماشوری پیا بنموده‌ای ... ۸۹
- ساقی سیمین صراحی، مست و مدهوشم نمود. ۹۰
- گویا در سر کوی تو، موا جایی نیست ... ۹۱
- همچونی، از دوری دلدار بی‌همتا بنالم ... ۹۲
- جانا بیا به رحمت خود یاد ما نما. ۹۳
- شنو این گفته‌ها را از زبانم ۹۴
- با باده صافی که ز میخانه شد اهدا ۹۵
- زان یار دلربایم، بر من گذر نباشد ۹۶
- بر مقدمت سلام، ایا پیک خوشمرام ۹۷
- باری اگر ز یار نبینم عنایتی ۹۸
- قامتی قلب مرا بر بود و مجنونم نمود ۹۹
- در میکده رو بر سر آن خمره جوشان ... ۱۰۰
- سر را چه بهایست، سزاوار تو باشد؟ ... ۱۰۱
- بلای عشق تو را هر زمان خریدارم ۱۰۲
- داروی دردم وصال دلبر است ۱۰۳
- محفل شده نورانی، از پرتو کیهانی ۱۰۴
- افتاهام از عشق رخت با تب و بی‌تاب ... ۱۰۵
- عنبرین موی، مرا عاشق و دیوانه نمود. . ۱۰۶
- من نبودم لایق احسان دوست ۱۰۷
- عشق جانان سالها در جان من غوغا کند .. ۱۰۸
- دانی که به هر کوی روی: من به تفایم .. ۱۰۹
- بار دگر آن یار دل آزار نیامد ۱۱۰
- سالها عشق گل اندامی در این دل خانه کرده. . ۱۱۱
- این می چنان خوش است که گویی ز کوثر است ۱۱۲
- راه ما گمشدگان است، رهی پر خم و تار. ۱۱۳
- ای عشق که بر خرمن جانم زدی آذر ... ۱۱۴
- درد عشقی کشم من از جانان ۱۱۵
- رهزن دل که مرا زار و پریشان بنمود ... ۱۱۶
- خوشا آن دل که گردد خانه تو ۱۱۷
- میان تاریک نتواند، میان باریک را بیند . ۱۱۸
- گل عمرم فدایت ای یارم ۱۱۹
- ای پیروی دو عالم، که کنی قصد شکارم ۱۲۰
- دل از فراق یار حزین و فگار شد ۱۲۱
- گفتم به می فروش، که می می‌دهی مرا؟ . ۱۲۲
- دل رها کردن ز دلبر مشکل است ۱۲۳
- عشق آتشی فکنده به جان وجود من ۱۲۴
- داد مرا ای دلستان، بشنو که شد از تن روان ۱۲۵
- دامن مکش که کرده پشیمان کند تو را. . ۱۲۶

بخش دوم اشعار گوناگون

- ۱۲۷ گر بر دیار دلبر یکتا سفر کنم
- ۱۲۸ ای دل دمی به نیک و بد این جهان نگر
- ۱۲۹ تا در جوار قربت تو خانه ساختم
- ۱۳۰ بنام بر رخ و زیبایی تو
- ۱۳۱ از بوی می نابی، رفتم سوی میخانه
- ۱۳۲ ای مرغ جانم، از قفس تن برون پیر
- ۱۳۳ ای باد صبحدم، چه مسیحا دم آمدی
- ۱۳۴ ای آشنا، به خانه این آشنا بیا
- ۱۳۵ سالها از ما گذشت و، ماه رفت، ایام رفت
- ۱۳۶ جهان را ای دلا، بگذار و بگذر
- ۱۳۷ تمنا
- ۱۳۸ مناجات
- ۱۳۹ دعای تحویل سال
- ۱۴۰ وفات حضرت فاطمه (ع)
- ۱۴۱ حسین (ع)
- ۱۴۳ دوبیتی‌ها
- ۱۶۳ رباعیات
- ۱۶۹ دعا و مناجات (اقتباس از دعای کمیل)
- ۱۸۱ واقعه غدیر خم
- ۱۸۷ ای وطن
- ۱۸۹ گفتگو با عکس مرحوم مادر
- ۱۹۰ رنگ ملاک برتری نیست
- ۱۹۱ سیگار
- ۱۹۲ حاجی من هم شریک
- ۱۹۳ گول دشمن را نخور
- ۱۹۴ مشکل خرید شیر
- ۱۹۵ گرانی
- ۱۹۸ لالایی
- ۲۰۱ فاجعه زلزله
- ۲۰۳ بهاریه
- ۲۰۶ ابرشناسی منظوم
- ۲۱۰ مرغ نادان و روباه مکار

به نام معشوق بی همتا

کارشناس هواشناسی هستم. در سالهای آخر خدمتم بود که بذریعۀ عشق در کشتزار دلم جوانه زد و علاقه‌مند به سرودن اشعار شدم و گاهی از اوقات چیزهایی می‌سرودم. بعد از نیل به افتخار بازنشستگی، به کشور کانادا عزیمت کردم و در کنار فرزندانم که به تجارت فرش و تحصیل اشتغال دارند، قرار گرفتیم. هماهنگ کردن خود با محیط جدید و نیز رفت و آمدهای مکرر بین این کشور و کشور عزیزمان ایران سبب شد که چند سالی از شعر و ادب دوری جویم.

بعد از این کناره‌گیری، بار دیگر دل‌آرایم حلقه‌گیسویش را در گردنم تنگتر کرد و در این سرزمین زیبا از کشور کانادا که شمال ایران را تداعی می‌کند، مرا به سرودن دوباره پیرانگیخت.

از اوایل سال ۲۰۰۲ میلادی بود که بار دیگر شروع به سرودن مکنونات دلم نمودم که حاصل آن به اضافه سروده‌هایی که از پیش در ایران داشتم، همین است که در این مجموعه ناقابل به چاپ می‌رسد. امید آن که خوانندگان عزیز و صاحب‌دل را مقبول افتد.

میوه‌ای از درخت عمر من است	چه خوشاگر به طبعتان سازد
میوه «حافظ» از خوری، به یقین	کمال ما را ز چشم‌اندازد
خواجه همواره بوده یکه سوار	توسن شعرش همچنان تازد
شاه شاهان کشور غزل است	کشور ما به نغز او نازد
من گدای در چنان شاهم	کاش می‌بود، تا که بنوازد
تخته نرد هنر مزن با وی	چون که هر کس زند، بر او بازد

ای کاش، این نوسوار خسته حال بتواند با این خرلنگش لنگ لنگان در این راه خطیر و بی‌پایان طی طریق نماید.

لازم به یادآوری است، با دخل و تصرف در بعضی از قوالب، قالب نویی شکل گرفته که امید است در پسند اهل نظر باشد. نیز اگر برخی از ابیات صورتی اندرزگونه دارد، در چنین مواردی آماج تیر سخن دل‌نیازمند خودم بوده و شمشیر اندرز بر فرق اندرون خودم کشیده شده است.

این کتاب تقدیم می‌شود به دانش‌آموزان عزیز بی‌بضاعتی که با همت اولیاء محترمشان به مدرسه می‌روند تا با کسب دانش، خود را برای آینده‌کشور پرافتخارمان ایران، آماده نمایند. درود بر این عزیزان دل‌بند.

رحمت‌ا...امینی (رحمت)

کانادا - ۱۳۸۳ خورشیدی

www.ketab.ir